

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در

تحوّلات حقوق کیفری و سیاست جنایی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اشاره

بنابه دعوت دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، آقای رنالد اوتنف، استاد دانشگاههای بوردو و پو (فرانسه) و دبیرکل انجمن بین المللی حقوق جزا، جهت بازدید از دانشکده های حقوق تهران و دانشکده حقوق شیراز و آشنایی با اعضای هیأت علمی این دانشکده ها و نیز به منظور ایراد چند کنفرانس، به ایران آمدند. ایشان، طی مدت اقامت خود بین ۵ الی ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ در تهران و شیراز، سه سخنرانی به شرح زیر ایراد کردند، که توسط آقای دکتر نجفی ابرندآبادی بطور همزمان برای حاضران به فارسی

برگردانده شد:

۱. یکشنبه ۱۳۷۲/۲/۵ ساعت ۱۵ در تالار ابوریحان دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی) تحت عنوان: «نقش انجمن بین المللی حقوق کیفری و جامعه بین المللی جرم‌شناسی در تحول حقوق کیفری و جرم‌شناسی»:

۲. دوشنبه ۱۳۷۲/۲/۶ (ساعت ۱۵ در دانشکده حقوق دانشگاه شیراز) تحت عنوان: «شناخت بزهکاری، شرط مقدماتی تهیّه و اجرای سیاست جنایی»:

۳. سه‌شنبه ۱۳۷۲/۲/۷ (ساعت ۱۵ در تالار ابوریحان دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی) تحت عنوان: «طرح قانون جزای بین الملل راجع به جنایات علیه صلح و امنیت بشری».

متن فارسی دو کنفرانس اول، همراه با تحقیقات بیشتری توسط آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی تهیّه و تنظیم شده است که اینک از نظر خوانندگان مجله می‌گذرد. کنفرانس سوم، موضوع مقاله تحقیقی مفصل تری خواهد شد که متعاقباً پس از تکمیل در «مجله حقوقی» به چاپ خواهد رسید.

۲. همین عنوان با اندک تغییراتی موضوع کنفرانس آقای اتف در دارالعلم مفید قم بود که روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۲/۹ ایراد گردید.



شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کنفرانس اول:

نقش انجمن بین‌المللی حقوق کیفری و جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی در تحول حقوق کیفری و جرم‌شناسی

در زمینه‌های علوم کیفری و علوم جنایی، چهار انجمن در سطح جهان فعالیت دارند:
انجمن بین‌المللی حقوق کیفری،^۳ جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی،^۴ جامعه بین‌المللی دفاع
اجتماعی^۵ و بنیاد بین‌المللی کیفری و زندانها،^۶ که در میان متخصصین و سازمانهای
بین‌المللی به «چهار انجمن بزرگ»،^۷ شهرت دارند. بحث امروز ما پیرامون نقش دو

3. International Association of Penal Law (IAPL)

4. International Society of Criminology (ISC)

5. International Society of Social Defence (ISSD)

6. International Penal and Penitentiary Foundation (IPPF)

7. Four Majors

انجمن اول در زمینه کیفری و جنایی است.

۱- انجمن بین‌المللی حقوق کیفری (انجمن): این انجمن، در سال ۱۹۲۴ با همین عنوان تأسیس شد، لیکن وظیفه این بنیاد جدید، در واقع ادامه کار «اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری» (اتحادیه) بود که در ژانویه ۱۸۸۹، توسط سه حقوقدان مشهور وقت، تأسیس یافته بود. این سه تن عبارت بودند از: فرانز فون لیست^۸ آلمانی که در وین متولد شده و تحصیلات خود در رشته حقوق را نیز در همین شهر انجام داد، ژرار وان هامل^۹ هلندی و آدولف پرینس^{۱۰} بلژیکی. این سه اسناد حقوق جزا، به ارزشهای مشترکی اعتقاد داشتند و در مقابل بحران تاریخی اروپا که در دهه‌های آخر سده نوزدهم در شرف تکوین و رو به گسترش بود، مواضع و روشهای مشابهی اتخاذ کردند. اروپا، در مدت کوتاهی با افزایش چشمگیر بزهکاری و تشدید موازی واکنشهای سرکوبگر علیه بزهکاران روبرو شد. سیر صعودی منحنی جرائم، عمدتاً از صنعتی شدن سریع اروپا، افول بخش کشاورزی و صنایع دستی و مهاجرت روستائیان به مناطق شهری، ناشی می‌شد. در مقابل این تغییر و تحول، قانونگذاران وقت، تمایل به افزایش تعداد و دامنه جرائم و نیز تشدید مجازاتهای آن در قوانین کیفری وقت داشتند. وجاهت اتخاذ چنین رویه و سیاستی، بلافاصله موضوع بحث حقوقدانان و افکار عمومی، قرار گرفت. فون لیست، وان هامل و پرینس، در مقابل تجلی چنین گرایشهای کیفری سرکوبگر، تصمیم به ایجاد سازمانی گرفتند که در آن متخصصان مختلف جرم و مجازات (جرمشناسان و حقوقدانان کیفری)، بتوانند به منظور مطالعه و بررسی کلیه جوانب علوم جنایی گردهم آیند. هدف دیگر این سه تن، عبارت از ایجاد «تربیونی» بود که بتواند به روشنفکران، دانشگاهیان و استادان حقوق جزا و علوم جنایی امکان تبادل نظر و در نهایت تأثیرگذاری مثبت و سازنده بر تحول و توسعه سیاست جنایی را اعطا کند. در زمان تأسیس اتحادیه، مکتب حاکم بر جرمشناسی، کیفرشناسی و حقوق جزا، مکتب تحقیقی یا اثباتی ایتالیایی بود. لیکن اتحادیه-و حتی امروزه انجمن بین‌المللی حقوق کیفری-، سعی بر آن داشت تا از نظر ایدئولوژیکی و فکری بی‌طرف باقی بماند تا مفاهیم و دیدگاههای مختلف، پیرامون جنبه‌های متعدد علوم جنایی امکان ابراز وجود یافته و بتوانند به سمت تشکیل در یک چارچوب مشترک، جهت‌گیری نمایند. در

8. Franz V. Liszt

9. Gerard V. Hamel

10. Adolphe Prins

میان اعضای اتحادیه بین المللی حقوق کیفری، حقوقدانان بزرگی از سایر کشورهای اروپایی، ایالات متحده آمریکا و حتی از آمریکای لاتین و ژاپن نیز حضور داشتند. نخستین کنگره اتحادیه که در سال ۱۸۹۵، در اتریش برگزار گردید، تاریخی و بسیار با اهمیت بود، زیرا بنا بر پیشنهاد هانس گروس،^{۱۱} که بعدها به مقام استادی دانشگاه گراز^{۱۲} رسید گنجاندن جرم‌شناسی و جرم‌یابی در برنامه‌های درسی دانشگاهی، برای اولین بار در یکی از قطعنامه‌ها مطرح گردید. اتحادیه، خواستار اصلاحاتی در حقوق جزای کشورها، از جمله روسیه بود که در عمل این اصلاحات غالباً محقق گردید. در این خصوص می‌توان به مواردی نظیر ترمیم خسارت به جای کیفر، جزای نقدی و دیگر جانشینها (یا تدابیر جایگزینی) به جای مجازات سالب آزادی که به نظر اتحادیه باید به عنوان «آخرین حربه» یا «آخرین راه حل»، اعمال گردد، اشاره نمود.

۱-۱. بنیانگذاران اتحادیه، بین سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۲۰ فوت کردند و خود اتحادیه، با شروع جنگ جهانی اول منحل و فعالیت‌های آن متوقف شد. لیکن با پایان جنگ، به دعوت استادان فرانسوی حقوق جزا، مانند هانری دوندیو بودو و ابر^{۱۳} و لویی هوگنه،^{۱۴} «انجمن بین المللی حقوق کیفری»، با هدف «ادامه کارهای ناتمام اتحادیه بین المللی حقوق کیفری»، در ۲۸ مارس ۱۹۲۴، در محل دانشکده حقوق پاریس و با حضور استادان حقوق جزا از کشورهای مختلف، تأسیس و ریاست آن به کارتن دو وبار،^{۱۵} وزیر بلژیکی، سپرده شد. کار اصلی انجمن، در دوره بین دو جنگ جهانی، تهیه و تدوین حقوق بین المللی جزا بود که به کوشش رئیس وقت انجمن، یعنی وِسیاسیان پلا^{۱۶} (از رومانی)، صورت گرفت. پس از جنگ دوم جهانی، انجمن سریعاً فعالیت‌های خود را از سر گرفت و همچون امروز، موضوع اصلی کار آن، حمایت از حقوق بین الملل، توسط حقوق جزا بود. انجمن در سال ۱۹۴۷، با توجه به وقایع اسف بار دوران جنگ، کنگره‌ای در ژنو برگزار کرد و طی آن خواستار ایجاد یک «مرجع بین المللی» به منظور رسیدگی به جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت شد. انجمن در اکتبر ۱۹۸۹، یکصدمین سالگرد تأسیس خود

11. Gross

12. Graz

13. Henri Donnedieu de Vabres

14. Louis Huguency

15. Carton de Wiart

(رئیس کنونی انجمن آقای شریف بسیونی، استاد مصری نبار دانشگاه دوئیل شیکاگو است).

16. Vespasian V. Pella

را در چارچوب برگزاری چهاردهمین کنگره در وین (اتریش) جشن گرفت. امروزه انجمن سه هزار عضو دارد و علاوه بر آن، چهل گروه ملی حقوق جزا از کشورهای مختلف جهان نیز عضویت آن را دارا می‌باشند.^{۱۶} بدین ترتیب، انجمن قدیمی‌ترین و پرعضوترین سازمان جهانی متخصصین در زمینه علوم کیفری یعنی حقوق جزا، آیین دادرسی کیفری و به ویژه، حقوق جزای بین‌الملل، حقوق جزا و آیین دادرسی تطبیقی است.

۲-۱. فعالیت‌های انجمن، شامل قلمروهای علمی مختلفی است که جنبه‌های «چند تخصصی» (چند بُعدی) و نیز «بین رشته‌ای» علوم کیفری و جنایی را در بر می‌گیرد. لیکن انجمن در سه زمینه، جایگاه تخصصی خاص خود را دارا می‌باشد: سیاست جنایی، قانون نویسی^{۱۷} (تهیه کُد) حقوق جزا، حقوق جزای تطبیقی و حقوق جزای بین‌الملل.

۱-۲-۱. در زمینه سیاست جنایی و تهیه کدهای (قانونهای) جزا، انجمن بطور وسیع در مساعد کردن زمینه‌های توسعه و انجام کوششهای مربوط به تدوین کدهای جزا، در تعدادی از کشورها، شرکت و مساعدت نموده است، به ویژه در بخش عمومی حقوق جزا، از جمله اصول و نظریه‌های راجع به مسؤولیت، سیاست جرم‌سازی (جرم تلقی کردن قانونی اعمال)، تعریف جرم و تعیین مجازات‌ها. بدیهی است که کنگره‌های بین‌المللی انجمن، گردهمایی‌های مقدماتی آن، جلسات انجمن در مناطق مختلف جهان و نیز فعالیت‌های گروه‌های ملی حقوق کیفری کشورهای عضو، پیرامون مسائل کیفری، تأثیر به‌سزایی در اصلاح و یا تهیه سیاست جنایی کشورها داشته است. به عنوان نمونه، می‌توان به کشورهای بلوک شرق سابق که حقوق جزا و سیاست جنایی آنها، پس از فروپاشی کمونیسم، دستخوش دگرگونی شد و موجبات پیدایش احساس نیاز، برای تهیه قانون‌های جزا و سیاست‌های جنایی جدید که منطبق با معیارهای نظام سیاسی جدید آنها باشد را فراهم کرد، و نیز به نقش انجمن در این زمینه، در کشورهای مزبور اشاره کرد.

۱-۲-۲. در زمینه حقوق کیفری تطبیقی، کارشناسان و استادانی که از کشورهای

۱۷. گفتنی است که گروه ملی ایرانی حقوق جزا، در سال ۱۳۷۲ تشکیل یافته و تشریفات عضویت آن در انجمن بین‌المللی حقوق جزا در شرف انجام است.

مختلف در مطالعات، پژوهشها و فعالیتهای انجمن شرکت کرده و یا از آنها الهام گرفته اند، جوانب حقوقی حقوق جزا را که در نظامهای حقوقی، اقتصادی و اجتماعی کشورهایشان وجود دارد، با هم مقایسه کرده اند. فراهم کردن زمینه برگزاری چنین مطالعات و گردهمایی های مشترک و انجام چنین ملاقاتهای کاری علمی، خود به تخصصی شدن حقوق جزای تطبیقی، کمک مهمی می کند. نشریه بین المللی حقوق جزا^{۱۹} که هر ساله در دو شماره، توسط انجمن به زبانهای فرانسه و انگلیسی منتشر می شود نیز تأثیر قابل توجهی در تحول و توسعه علوم کیفری دارد.

۱-۲-۳. سومین و مهمترین زمینه تخصصی انجمن، حقوق جزای بین الملل است. در اواسط سده نوزدهم میلادی، دانشمندان حقوق جزا، همچون سایر حقوقدانان، نسبت به وضعیت جنگی و شروع درگیریهای نظامی که شاخص اوضاع و احوال اروپا و نیز روابط دیپلماتیک میان کشورهای این قاره بود، دلنگران بودند. جنگ اول جهانی، خود باعث انحلال اتحادیه و تعطیل شدن فعالیتهای آن گردید. جنگ دوم جهانی و ظهور پاره ای از رژیمهای سیاسی در اروپا، علاوه بر تهدیدی که برای صلح و امنیت جهان در برداشت، باعث گردید تا نظامهای کیفری و حقوق جزا، در بسیاری از کشورها به ابزارهایی برای تحقق اهداف سیاسی و عقیدتی رژیمهای مذکور تبدیل شود. یعنی به نظر دانشمندان وقت حقوق جزا، نظام کیفری در خدمت پاره ای اهداف خاص سیاسی قرار داده شده بود. در این مقطع، همکاری بین المللی به عنوان وسیله ای برای جلوگیری از چنین سوء استفاده هایی در سطح محلی و داخلی، مهم قلمداد شد. بدین ترتیب، میان حقوق جزای ملی (داخلی) و حقوق جزای بین الملل (که به رفتار مجرمانه کشورهای که به حساب یا به نام دولتهای مربوط توسط افراد ارتکاب می یابد، می پردازد)، رابطه ای برقرار شد. انجمن از اواسط سالهای ۱۹۲۰، در زمینه توسعه حقوق جزای بین الملل فعال شد. در این خصوص، کافی است به نقش آن در تدوین و تصویب کنوانسیون ۱۹۳۷ راجع به «پیشگیری و سرکوبی تروریسم» و نیز کنوانسیون ۱۹۳۷ راجع به «ایجاد یک دادگاه جنایی بین المللی»، اشاره کنیم.

19. International Review of Penal Law (IRPL)

گفتنی است که انجمن، اخیراً نشریه دیگری به زبانهای فرانسه و انگلیسی تحت عنوان «مطالعات جدید کیفری» *Nouvelles Études pénales* پیرامون موضوعهای خاص کیفری طی دو تا سه شماره در سال، منتشر

می کند.

انجمن همچنین به عنوان یک «سازمان غیر دولتی»²⁰ در میان سازمانهای منطقه ای و بین المللی، سهم زیادی در توسعه مفاهیم حقوق جزای بین الملل داشته و دارد. از سوی دیگر، تحت این عنوان، انجمن دارای نقش مشورتی نزد سازمان ملل متحد و شورای اروپا می باشد و یک رابطه ویژه همکاری با سازمان کشورهای آمریکایی دارد.

۱.۳. انجمن بین المللی حقوق کیفری از سال ۱۹۲۶ شروع به برگزاری کنگره های بین المللی دوره ای در کشورهای مختلف نموده است و از سال ۱۹۶۴ این کنگره ها هر پنج سال یک بار تشکیل می شود. مدت برگزاری کنگره ها یک هفته می باشد که طی آن چهار موضوع در زمینه های حقوق جزای عمومی، آیین دادرسی کیفری، حقوق جزای اختصاصی یا آیین دادرسی کیفری اختصاصی و حقوق جزای بین الملل، مطرح می گردد. از سال ۱۹۶۳، «چهار انجمن بزرگ»، طی گردهمایی هایی و با توجه به دیدگاههای خاص خود، به بررسی یکی از موضوعهای کنگره سازمان ملل متحد برای «پیشگیری از جرم و اصلاح و درمان مجرمین» (که هر پنج سال یک بار تشکیل می شود)، می پردازند. «چهار انجمن بزرگ» به منظور نظم بخشیدن هر چه بیشتر به فعالیتهایشان، یک «کمیته بین المللی هماهنگ کننده»، ایجاد کرده اند که مرکب از رؤسا و دبیرکل های این چهار انجمن می باشد. انجمن، با دیگر سازمانهای بین المللی از جمله انجمن بین المللی حقوق نظامی، کمیسیون بین المللی حقوقدانان و کمیته بین المللی صلیب سرخ همکاری دارد. و همچنین از طریق شرکت فعال در کنگره های سازمان ملل متحد «برای پیشگیری از جرم و اصلاح و درمان مجرمین»، «کمیته سازمان ملل متحد برای پیشگیری و کنترل جرم»، «گردهمایی بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» و نیز «اتحادیه سازمانهای غیردولتی برای پیشگیری از جرم»، با سازمان ملل متحد همکاری می کند. انجمن با شورای اروپا نیز از طریق حضور فعال در گردهمایی ها و مطالعات «کمیته مسائل جنایی» آن همکاری دارد. تعداد اعضای انجمن از کشورهای مختلف، فعالیتهای متنوع آن در کلیه قاره ها، شخصیتهای علمی حاضر در هیأت مدیره آن و بالاخره کارهای علمی «مؤسسه بین المللی مطالعات عالی علوم جنایی سیراکیز»²¹ (ایتالیا) که تحت نظر علمی انجمن انجام می گردد،

20. Non- Governmental Organization(NGO)

21. International Institute of Higher Studies in Criminal Sciences (IIHSCS)

تأثیر چشمگیری بر حقوق جزای بین الملل، علوم کیفری تطبیقی و تعریف و تعیین و گسترش «یک سیاست جنایی سنجیده، خردگرا و انسانی»، در سراسر جهان، داشته است.

۲. جامعه بین المللی جرمشناسی (جامعه): این جامعه یکی دیگر از «چهار انجمن بزرگ» است که در اینجا به شرح مختصر آن می پردازیم. هدف جامعه از یک سو، ارتقای اقدامات و پژوهشها، به منظور شناخت بهتر پدیده مجرمانه در سطح بین المللی و از سوی دیگر، مساعد کردن زمینه پیشگیری از بزهکاری در اشکال مختلف آن و نیز بهبود آیین های رسیدگی در نظامهای مختلف عدالت کیفری است. تأسیس این جامعه به لحاظ روش فلسفی برخورد با پدیده مجرمانه در گذشته، روی هم رفته با تأخیر صورت گرفت. به ابتکار استادان و دانشمندان فرانسوی-ایتالیایی، در سال ۱۹۳۴، یک فدراسیون از جامعه های جرمشناسی، زیست شناسی جنایی، بهداشت، پیشگیری و انسان شناسی کشورهای مختلف آمریکای جنوبی و اروپا، در پاریس تشکیل و دبیر کلی آن به پروفیسور بنینودی تولیو^{۲۲} از ایتالیا سپرده شد. هدف نهایی این بود که بعدها فدراسیون به یک جامعه بین المللی تبدیل گردد. تشکیل یک کنگره بین المللی جرمشناسی، به منظور محقق ساختن هدفهای این فدراسیون، یعنی فراهم آوردن امکانات لازم برای دانشمندان، حقوقدانان و دست اندرکاران در تأمل و تفکر جمعی پیرامون مسائل جرمشناسی، مورد توافق قرار گرفت. در جریان جلسات مقدماتی این کنگره در سال ۱۹۳۷ بود که تبدیل فدراسیون به یک «جامعه بین المللی جرمشناسی»، شکل گرفت و در سال بعد (۱۹۳۸)، به دنبال برگزاری نخستین کنگره در رم، جامعه مزبور رسماً تأسیس شد. با وقوع جنگ دوم جهانی، فعالیت جامعه به آمریکای لاتین منتقل گردید. پس از پایان جنگ، «کنگره پان آمریکایی جرمشناسی» که در سال ۱۹۴۷ در ریو دو ژانیرو (برزیل) برگزار شد، پیشنهاد کرد که

→ این مؤسسه در سال ۱۹۷۲، با همکاری علمی انجمن و همکاری مالی شهرداری و اتاق بازرگانی شهر سیراکیز تأسیس شد. مؤسسه یک سازمان غیر دولتی است و نقش مشورتی برای سازمان ملل متحد و شورای اروپا دارد. انجمن و مؤسسه، به منظور پیشبرد اهداف علمی، مشترکاً به برگزاری دوره ها، گردهمایی ها و سمینارهای بین المللی و بین منطقه ای، در زمینه حقوق جزا و به ویژه حقوق جزای بین الملل مبادرت می کنند و نتایج آنها را در «نشریه بین المللی حقوق کیفری» و نشریه مطالعات جدید کیفری»، منتشر می نمایند.

کنگره بین‌المللی پیش‌بینی شده برای سال ۱۹۵۰ در پاریس تشکیل شود. متعاقب آن یک کمیته برگزار کننده، متشکل از شخصیت‌های علمی، از کشورهای مختلف بوجود آمد که در یکی از گردهمایی‌های آن، در ماه ژانویه ۱۹۴۹، پیشنهاد تصویب اساسنامه نهایی جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی را مطرح نمود که مورد قبول واقع گردید مرکز جامعه پاریس تعیین و در همان سال، به عنوان مشاور سازمان ملل متحد نیز برگزیده شد. جامعه، نزدیک به هزار عضو دارد و در بیش از پنجاه کشور دارای نماینده ملی می‌باشد.^{۲۲}

۲-۱. اهداف و دستاوردهای جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی را می‌توان پیرامون سه محور سازمان داد: توسعه روابط بین‌المللی، پیشبرد تحقیقات علمی و مساعد کردن زمینه ارتباطات.

۲-۱-۱. جامعه از طریق برگزاری کنگره‌ها^{۲۳} و دوره‌های آموزشی بین‌المللی جرم‌شناسی، به گسترش روابط بین‌المللی در زمینه کار خود کمک می‌کند. علاوه بر این، فعالیت‌های مختلف در زمینه جرم‌شناسی را نیز در سطح بین‌المللی هماهنگ می‌سازد. موضوعهای مورد بحث این کنگره‌ها و دوره‌ها، بیانگر تحول عقاید و اندیشه‌ها در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح و درمان مجرمین است. بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، یعنی سالهایی که بازگشت صلح و آرامش جهانی را نوید می‌داد، مدل کیفری‌ای که مبتنی بر اصلاحات نظام زندانها و نظریه اصلاح و درمان است، گسترش یافت. این مدل جریانهای پژوهشی بالینی، بدون اعتراض و انتقاد قابل توجهی توسعه پیدا کرد. لیکن از آغاز ۱۹۶۵، تردید و بدبینی نسبت به اصلاحات کیفری ظاهر شد. تحولات و تغییرات و دگرگونی‌هایی که در جوامع فوق‌صنعتی در شرف تکوین است، به نظامهای کیفری، که بطور سنتی نقاط حساس تشکیلات اجتماعی هر کشور هستند نیز سرایت کرد. در کنگره ۱۹۷۰ که پیرامون

۲۳. رئیس کنونی جامعه پروفیسور Albert Reiss Jr. از گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بیل ایالات متحده آمریکا و دبیرکل آن آقای ژرژبیکا، قاضی سابق دیوان عالی کشور فرانسه و استاد دعوتی دانشگاه پاریس ۱۰ (نانتز) می‌باشند. جامعه، نماینده ملی در ایران ندارد لیکن پاره‌ای از استادان ایرانی بطور منفرد عضو جامعه می‌باشند.

۲۴. یازدهمین کنگره جامعه، در ماه اوت ۱۹۹۳، پیرامون «تغییرات سیاسی-اجتماعی و جرم: مشکلی برای سده بیست و یکم»، در بوداپست (مجارستان) برگزار گردید.

«تحقیقات علمی در جرم‌شناسی» در مادرید برگزار شد، روش‌شناسی‌ها و استراتژی پژوهش‌های جرم‌شناختی، زیر سؤال رفت. در کنگره‌های بعد، بدون اینکه رهیافت بالینی بزهکاری کنار گذاشته شود، بیشتر به موضوعهای مربوط به «انتخابها» و «روشها» در سیاست جنایی پرداخته شد. و اما هدف دوره‌های جرم‌شناسی که هر ساله به مدت یک هفته تشکیل می‌شود، فراهم کردن زمینه گسترش جرم‌شناسی در مناطق جدیدی از جهان و تشویق ابتکارهای محلی موجود می‌باشد. در این دوره‌ها، علاوه بر ایراد کنفرانسهای مختلف، کارگاههایی با شرکت دست‌اندرکاران پلیس و دادگستری از ملیتهای مختلف و دانشگاهیان، با تخصصهای مختلف، برگزار می‌گردد. این دوره‌ها، در واقع تجلی تحولات جرم‌شناسی از سالهای ۱۹۵۰ می‌باشد. برحسب موضوعهای مطالعاتی در هر دوره می‌توان چهار مقطع را از نظر تحولات از هم تمیز داد: نخستین مقطع زمانی، دوره‌های برگزار شده بین سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۶۱ می‌باشد که اکثر آنها به «مسائل جرم‌شناسی بالینی» اختصاص داده شده است؛ در دومین مقطع، بین سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۹ گرایش بالینی حفظ شده لیکن نوع جدیدی از تحقیقات یعنی «جرم‌شناسی تطبیقی» مطرح می‌گردد. (دوره‌های جرم‌شناسی در این مقطع، در خارج از اروپا برگزار شدند)؛ در سومین مقطع، که بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ قرار دارد، «مسائل کلی معاصر ناشی از بزهکاری» مورد توجه جرم‌شناسان قرار می‌گیرد و بالاخره در چهارمین مقطع زمانی که دهه ۱۹۸۰ و حتی سالهای اول دهه ۱۹۹۰ را نیز شامل می‌شود، دوره‌های جرم‌شناسی به سمت «مسائل سیاست جنایی و جرم‌شناسی کاربردی» جهت داده شده‌اند.

۲.۱.۲. گسترش تحقیقات علمی نیز یکی از هدفهای جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی است. برای تحقق این هدف، در جامعه تصمیم به تأسیس مراکز تحقیقاتی تخصصی، با رعایت جوانب زیر گرفته شد: مرکز تحقیقاتی باید با توافق جامعه و یک سازمان یا نهاد محلی، مثلاً دانشگاه، ایجاد شود (نهاد محلی نیازهای فنی و مالی را تأمین می‌کند و جامعه در سطح بین‌المللی کمک خود را به مرکز ارائه می‌دهد)، کارهای مرکز باید در یک قلمرو خاص جرم‌شناسی باشد که بدین منظور، از نظر حقوقی، اداری و مالی مستقل است و بالاخره برنامه علمی مرکز و اداره آن باید به وسیله هیأتی مرکب از اعضای کمیسیون علمی جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی و نهاد یا سازمان محلی ذیربط تعیین و نظارت شود. تاکنون با

رعایت این معیارها دو مرکز تحقیقاتی ایجاد شده است: یکی در آمریکای شمالی، در شهر مونترآل (کانادا) و دیگری در اروپا، در شهر جنوا (ایتالیا).

در سال ۱۹۶۹ «مرکز بین المللی جرم‌شناسی تطبیقی - مونترآل»^{۲۵} به موجب موافقتنامه ای میان جامعه بین المللی جرم‌شناسی و دانشگاه مونترآل، بنا نهاده شد. مرکز، هم اکنون پژوهشهای خود را در یک چشم انداز تطبیقی دنبال می‌کند. در حالی که مطالعات اولیه آن عمدتاً پیرامون مسائل مربوط و ناشی از دستگاه قضایی و پلیس صورت می‌گرفت، لیکن به تدریج جهت تحول این مطالعات به سمت مسائل مهم معاصر مانند تروریسم، و نیز مسائل مربوط به واکنش اجتماعی در مقابل بزهکاری و انحراف سوق داده شد.

«مرکز بین المللی جرم‌شناسی بالینی - جنوا»،^{۲۶} طی قراردادی میان جامعه و دانشگاه جنوا (ایتالیا) تأسیس و وابسته به مؤسسه جرم‌شناسی و روانپزشکی قانونی این دانشگاه اعلام گردید. تحقیقات و آموزش جرم‌شناسی بالینی، در جهت پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران، موضوع اصلی کارهای مرکز محسوب می‌شود، و بالاخره بنیاد اکیناس^{۲۷} طی قراردادی با دانشگاه مونترآل، مسؤلیت برنامه‌های علمی خود را در زمینه جرم‌شناسی به عهده جامعه بین المللی جرم‌شناسی واگذار کرده است.

۲۰۱۳- سومین هدف جامعه، فراهم کردن زمینه توزیع و نشر شناخته‌های حاصله در قلمرو جرم‌شناسی است. برگزاری ادواری دوره‌ها و کنگره‌های بین المللی، یکی از وسایل رسیدن به این هدف است. علاوه بر این، از سال ۱۹۵۱ جامعه هر ساله مبادرت به انتشار نشریه‌ای در دو شماره تحت عنوان «سالنامه بین المللی جرم‌شناسی»^{۲۸} می‌کند. این نشریه ضمن چاپ کارهای علمی جامعه، حاوی مقالات علمی و گزارشهای مربوط به تحقیقات و مطالعات انجام شده در جامعه یا زیر نظر آن به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و اسپانیولی

25. International Centre for Comparative Criminology (ICCC-Montréal)

26. International Centre for Clinical Criminology (ICCC-Genova)

۲۷. (Aquinas Foundation) اگرچه این بنیاد در زمینه‌های بشر دوسانه اجتماعی در آمریکای شمالی بسیار فعال است لیکن از آغاز سالهای ۱۹۶۰، به ایبارک بدر روحانی (استاد دانشگاه مونترآل) و پروفیسور Kinberg که هر دو از جرم‌شناسان مشهور و عضو بنیاد نیز هستند، بنیاد اکیناس به سمت مطالعه و تحقیق پیرامون مسائل پیشگیری از بزهکاری نیز متعایل شده است.

28. International Annals of Criminology(IAC)

می باشد.^{۲۹}

۲-۲. به عنوان بیان جامعه، باید گفت که جامعه بین المللی جرمشناسی، در تحول علوم جرم شناختی و گرایش های عمده موجود در جرمشناسی، جایگاه و نقش ویژه ای داشته و دارد.

۲-۲-۱. در زمینه جرمشناسی عمومی (که به مسائل روش شناسی ناشی از جرمشناسی و دستاوردهای آن با همکاری سایر علوم می پردازد)، دو مین کنگره بین المللی جرمشناسی پیرامون «جرمشناسی و تکوین جرم» که در سال ۱۹۵۰ در پاریس برگزار گردید، نقش بنیادی، ایفا کرده است. طی این کنگره روشن شد که جرمشناسی عمدتاً اعمال روشهای علوم انسانی نسبت به مطالعه بزهکار، عمل او و اوضاع و احوال و شرایط ارتکاب این عمل را شامل می گردد. لیکن اعمال این روشها، مسائل فنی ای را به دنبال می آورد و جرمشناسی تنها زمانی به یک علم مستقل و متفاوت نسبت به سایر علوم انسانی تبدیل می شود که استفاده از علوم انسانی در جهت مطالعه بزهکاری، تغییراتی را در روش یا دکترین به دنبال داشته باشد.

۲-۲-۲. جرمشناسی تطبیقی^{۳۰} نیز از مباحث و مطالعات دو مین کنگره بین المللی جرمشناسی متأثر شده است، زیرا این کنگره، با طرح مسائل روش شناسی در جرمشناسی، اجازه داد تا نسبت به وجود «جرمشناسی های ملی» و تأثیر این علم بر نهادهای دولتی و اجتماعی، آگاهی و اعتقاد ایجاد شود. بدین ترتیب، ضرورت توسعه جرمشناسی تطبیقی (با هدف مطالعه داده های هر کشور پیرامون مسأله بزهکاری، تحول تفکر علمی و نیز گرایشها و جهت گیریهای عمده سیاست جنایی به منظور مقایسه و مقابله آنها با هم) احساس گردید.

۲۹. گفتنی است که جامعه، انتشار خبرنامه ای را تحت عنوان Newsletter به سه زبان فرانسه، انگلیسی و اسپانیولی اخیراً آغاز نموده است. این نشریه که هر سه ماه یکبار منتشر می شود، در واقع یک بولتن خبری در قلمروهای حقوق جزا و جرمشناسی و تحولات آنها در سطح بین المللی است. این خبرنامه و نیز سالنامه بین المللی جرمشناسی برای اعضای جامعه فرستاده می شود.

۲.۲.۳- جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی، در سطح وسیعی، به گسترش «جرم‌شناسی افتراقی»^{۳۱} (که کوششهای خود را مصروف مطالعه خصوصیات بزهکاران بین‌خودشان، یا نسبت به افراد غیر بزهکار می‌کند) نیز کمک کرده است.

۲.۲.۴- در زمینه جرم‌شناسی ارتباطی^{۳۲} (که شامل مطالعه منظم و دقیق فرآیند رابطه بین بزهکار و بزه دیده است که حول جرم بوجود آمده و سپس متحول می‌شود) نیز نقش جامعه قابل توجه است، زیرا اجازه داده تا از یک سو «بزه دیده شناسی»^{۳۳} به عنوان یک رشته مطالعاتی بوجود آید و از سوی دیگر، تحقیقات مبتنی بر پیشگیری از جرم حمایت شده و همچنین گسترش یابد.

۲.۲.۵- بالاخره باید به اهمیت تاریخی و علمی جرم‌شناسی بالینی^{۳۴} (که به بررسی (معاینه)، تشخیص، تجویز و درمان بزهکاران می‌پردازد) نیز اشاره کرد. این گرایش، به جنبه‌های عملی در جرم‌شناسی کاربردی می‌پردازد. به علاوه، رابطه ضروری میان جرم‌شناسی بالینی و حقوق جزا و علم اداره زندانها برقرار شده است. جرم‌شناسی بالینی در سالهای اخیر، به ویژه در آمریکای شمالی، دوباره مورد توجه جرم‌شناسان در پژوهشهایشان قرار گرفته است. دوره بین‌المللی جرم‌شناسی سال ۱۹۸۶ که در توینگن (آلمان) پیرامون «جرم‌شناسی کاربردی» برگزار شد، در توجه مجدد جرم‌شناسان به استفاده از مفاهیم و روشهای این نوع جرم‌شناسی در مطالعاتشان بی‌تردید موثر بوده است.

۳- بدین ترتیب، ملاحظه می‌کنیم که چگونه انجمن‌های علمی مستقل و غیر متعهد مورد بحث امروز ما، با داشتن عضوهایی از کشورهای مختلف و با دیدگاههای متفاوت، تحولات حقوق جزا و علوم جرم‌شناختی در سطح جهان را شکل می‌بخشد و چگونه گروه‌های ملی حاضر در انجمنهای مذکور، می‌توانند دیدگاههای جزایی جرم‌شناسی کشورهای مبتوع خود را مطرح کنند و با سایر نظامهای کیفری مقابله و مقایسه نمایند.

31. Differential criminology

32. Relational criminology

33. Victimology

34. Clinical criminology



کنفرانس دوم:

شناخت بزهکاری، شرط مقدماتی تهیه و اجرای سیاست جنایی

۱- ابتدا به تحلیل عنوان کنفرانس بپردازیم: شناخت بزهکاری و آگاهی نسبت به جوانب مختلف و انواع آن، تنها از طریق پژوهشهای معمول در چارچوب جرمشناسی میسر است. جرمشناسی در یک تعریف ساده عبارت است از مطالعه علمی علل پدیده مجرمانه. مراد از پدیده مجرمانه، هم بزه (به مفهوم قانونی) و هم انحراف یا کژمداری (به مفهوم اجتماعی- اخلاقی) است. بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که امروزه قلمرو و موضوع جرمشناسی مطالعه علل انحراف را نیز در بر می‌گیرد. و اما در مورد سیاست جنایی، باید گفت که این رشته مطالعاتی وابسته به علوم جنایی، هم یک علم و هم یک هنر است (مارک آنسل) و موضوع آن عبارت از سازمان دادن به امر اداره بزهکاری در یک جامعه، یعنی مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن می‌باشد. بدین سان، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه بزهکاری همانند برنامه‌ریزی در زمینه‌های بهداشتی، اقتصادی، ایجاد اشتغال، ...

یکی از وظایف قوای عمومی کشورها به حساب می‌آید. در پاره‌ای از کشورها تهیه، تدوین و اجرای سیاست جنایی، مانند سایر سیاست‌گذارها، مبتنی است بر تعلیمات و اصول ایدئولوژی حاکم بر نظام سیاسی آنها (مانند کشورهای کمونیستی بلوک شرق سابق). چنین سیاست جنایی را اصطلاحاً، «سیاست جنایی عقیدتی یا ایدئولوژیک» می‌نامند. در کشورهای دیگر، سازماندهی امر مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن مبتنی است بر نتایج پژوهشها و داده‌های حاصل از مطالعات جرم‌شناختی پیرامون بزهکار و بزه (مانند بعضی از کشورهای اروپای غربی یا کانادا). چنین سیاست جنایی را اصطلاحاً سیاست جنایی سنجیده، علمی یا «سیاست جنایی جرم‌شناختی» می‌نامند. بحث اصلی ما در واقع روشن کردن اهمیت جرم‌شناسی، و به ویژه جرم‌شناسی کاربردی به عنوان تنها رشته مطالعاتی علمی که کوششهای خود را مصروف شناختن بزهکاری می‌کند، در سیاست‌گذارها پویا در زمینه کیفری و جنایی است. تعلیمات و داده‌های جرم‌شناسی که حاصل مطالعات و پژوهشهای علمی یعنی عینی است، به تصمیم‌گیران و مسوولان سیاست جنایی یک کشور اجازه می‌دهد تا با آگاهی و با اشراف کامل نسبت به جوانب مختلف پدیده اجتماعی مورد نظر یعنی جرم، به برنامه‌ریزی و قانونگذاری بپردازند. چنین سیاست جنایی ای بی‌تردید یک سیاست جنایی سنجیده، علمی، کارا و پویا خواهد بود.

۱-۱. لیکن باید خاطر نشان ساخت که «سیاست جنایی جرم‌شناختی» زمانی کارا و علمی خواهد بود که داده‌های مورد استفاده برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این زمینه، نتیجه مطالعات و تحقیقاتی باشد که با تکیه بر روشها و ابزارهای قابل اعتماد انجام شده است. به مناسبت دهمین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی که در سال ۱۹۸۸ تحت عنوان: «مفاهیم و بینشهای جرم‌شناسی، ستیزه‌جویی بزهکاری و استراتژیهای اقدام و عمل» در شهر هامبورگ (آلمان) برگزار شد، چندین سخنران به «بحران جرم‌شناسی» در ابعاد بنیادی و کاربردی آن اشاره کردند. آنان معتقد بودند که علیرغم پیشرفتهای حاصله در زمینه شناخت علل رشد بزهکاری اطفال، نوجوانان و بزرگسالان و نتایجی که جرم‌شناسان از بیش از سی سال پیش به این طرف با عنایت به این پیشرفتها بدست آورده‌اند، بزهکاری و کنترل آن کماکان مسائل حل نشده‌ای را در اغلب کشورها به همراه دارد. بنابراین جرم‌شناسان باید استراتژیهای جدیدی را به منظور اعاده حیثیت علمی، اجتماعی و سیاسی

جرم‌شناسی بیابند.

۱-۲. مشکل عمده در پژوهشهای جرم‌شناختی، ناشی از نواقص و معایب موجود در آمارهای جنایی و نیز در مدارک و اسناد و پرونده‌های مربوط به جرائم است که غالباً برای مطالعه بزهکاری مورد استفاده جرم‌شناسان قرار می‌گیرند: آمارهای جنایی، بر حسب این که توسط پلیس یا دادگستری تهیه شوند به ترتیب معرف بزهکاری پلیسی یا ظاهری و بزهکاری قانونی یا قضایی اند و به هیچ وجه بزهکاری واقعی را، به علت وجود رقم سیاه بزهکاری (جرائم کشف نشده) و رقم خاکستری بزهکاری (مباشران شناخته نشده جرائم کشف شده)، برای ما روشن نمی‌سازند. از سوی دیگر، آمارها بیشتر بیانگر میزان فعالیت‌های سازمانی مراجع مسوول واکنش اجتماعی علیه جرم‌اند (پلیس، دادگستری، زندان و مؤسسات مشابه) تا بیانگر واقعیت مجرمانه. به عبارت دیگر این قبیل آمارها برای برآوردن نیازهای سازمانی و اداری تهیه می‌شوند تا برای استفاده در تحقیقات جرم‌شناسی. همچنین بین زمان تهیه و زمان انتشار آنها معمولاً چند سال فاصله وجود دارد و بالاخره اطلاعاتی را که پیرامون جرم بدست می‌دهند جنبه کلی دارد. در مورد مدارک و پرونده‌های مربوط به جرائم باید گفت که اطلاعات موجود در این اسناد بیشتر جنبه کارکردی دارد تا جنبه علمی، یعنی ماهیت و گستره آنها محدود می‌شود به نیازهای مقام و مرجعی که مدارک و اسناد را تهیه می‌کنند. از همه مهمتر، این اطلاعات غالباً پراکنده اند، دسترسی به آنها به لحاظ رعایت اصل طبقه بندی مدارک و محرمانه بودن آنها محدود است و بالاخره به لحاظ کمبود فضا، مدت نگهداری شان کم است. بنابراین محدودیت‌های موجود در داده‌های آماری و اطلاعات ناشی از مدارک و پرونده‌ها، دامنه استفاده از آنها را در پژوهشهای جرم‌شناختی و نیز در مرحله تصمیم‌گیری برای تعیین استراتژیهای ملی و محلی مبارزه علیه جرم و پیشگیری از بزهکاری محدود می‌کند. برای رفع این مشکلات، یکی از روشهای پیشنهادی در کنگره هامبورگ بازگشت به «منابع و داده‌های حاصل از مشاهده بالینی» (آبسرواسیون)، یعنی استفاده از روش تجربی در مطالعات جرم‌شناختی، بود. «مرکز (آبسرواتوار) دائمی نظارت بر تحول بزهکاری و پیشگیری از آن»^{۳۵} دقیقاً در این راستا و به منظور شناخت بهتر بزه از طریق گردآوری و بررسی داده‌های مربوط به بزهکاری

و پیشگیری از آن در منطقه پُو (جنوب غربی فرانسه) تأسیس شد تا مسوولان سیاست جنایی محلی و منطقه ای بتوانند تدابیر موثر برای پیشگیری از جرم را در سایه نتایج بررسی های این مرکز اتخاذ و به اجرا گذارند.

۲. واژه اُبسرواتوار، در فرانسه، برای نخستین بار بطور رسمی در سال ۱۹۶۷ توسط «مؤسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی»^{۳۶} به مناسبت تأسیس «اُبسرواتوارهای اقتصادی منطقه ای» مورد استفاده قرار گرفت. از آن زمان تاکنون، شاهد کاربرد روزافزون این واژه هستیم که، در واقع، واقعیتهای متعدّد قلمرو مشاهده، ماهیت، موقعیت، اندازه، ... را مشخص می کند. فضای ایجاد و توسعه اُبسرواتوارها در فرانسه دارای سه خصوصیت است: تحول تکنولوژی رایانه و نوروماتیک در همه زمینه ها، توسعه ارتباطات و اهمیت اطلاعات و اخبار و مبادله آنها در جامعه و بالاخره تمرکززدایی اجتماعی-سیاسی که منجر به تقسیم توزیع وظایف و اختیارات به استانها گردید و بدین ترتیب مسوولیتهای جدیدی را برای مسوولان محلی در اداره امور بوجود آورد.

۲.۱- در زمینه جرمشناسی، توسعه صلاحیتهای و اختیارات مسوولان محلی، در چارچوب ایجاد «شوراهای پیشگیری از بزهکاری شهرستان و استان» تحقق پیدا کرد. مأموریت این شوراهای در واقع تعیین و استقرار سیاست های محلی پیشگیری از بزهکاری در شهرستان یا استان و نیز پاسخ به «احساس ناامنی» شهروندان است. ایجاد «مرکز دائمی نظارت بر تحول بزهکاری و پیشگیری از آن» در سال ۱۹۸۷، در واقع، پاسخ دانشگاه، به عنوان یک مرکز علمی، به تقاضای «شورای پیشگیری از بزهکاری شهرستان پُو»، به عنوان یک نهاد اجرایی بود. این مرکز تحت مسوولیت علمی «مرکز پژوهشها و مطالعات پیرامون بزهکاری و ناسازگاری اطفال» قرار دارد و مدیریت آن به عهده خود آقای رنالد اُتِنف است و مسوول علمی آن خانم آن-ماری فَوَار^{۳۷} می باشد. «مرکز دائمی نظارت بر تحول بزهکاری و پیشگیری از آن» داده ها و اطلاعات مورد نظر را از ادارات و مؤسساتی که در شهرستان بودارای شناختی از پدیده های بزهکاری هستند و در بخش پیشگیری دخالت دارند،^{۳۸}

36. INSEE

37. Anne- Marie Favard

۳۸. به عنوان نمونه: انجمن کنترل قضایی، انجمن کمک به متادان، انجمن پیشگیری تخصصی در منطقه پُو،

جمع آوری می‌کند. گردآوری داده‌های مربوط به پیشگیری، با هدف کسب شناخت بیشتر از سیاستها و عملکردها در زمینه پیشگیری از بزهکاری، به ویژه در زمینه بزهکاری اطفال، صورت می‌گیرد.

۲-۲. مرکز در یک چارچوب حقوقی، تئوری و فنی اداره می‌شود: از نظر حقوقی، مرکز در واقع یک گروه تحقیقاتی دانشگاهی است که در دانشگاه مستقر می‌باشد. بنابراین نسبت به سازمانها و مراجع اداری-اجرایی مستقل است، همین استقلال سبب می‌شود که مطالعات و بررسی داده‌های مربوط به جرم و پیشگیری از آن زیر نظر یک شورای علمی و با توجه به عینیت موجود و بدون توجه به ملاحظات دیگر صورت گیرد. حضور همکاران غیردانشگاهی در درون مرکز مانعی برای این کار نیست. از نظر تئوری، روش مشاهده و تجربی برای مطالعه و تبیین پدیده مجرمانه (واقعیت جرم شناختی)، آن‌طور که ژان پیناتل ارائه کرده است، اعمال می‌شود. پیناتل معتقد است که پدیده مجرمانه در سه سطح جدا از هم قابل تفسیر و تبیین است:

۱. تفسیر بزهکاری به عنوان یک پدیده کلی و توده‌ای (مجموعه جرائم ارتكابی در زمان و مکان معین)،

۲. تفسیر و مطالعه بزهکار، به عنوان مباشر عمل مجرمانه که باید بطور فردی مطالعه

شود،

۳. مطالعه بزه یا عمل مجرمانه که باید آن را، با جدا کردن از زندگی یا پیشه

(کاربر) مجرمانه مورد نظر، مطالعه کرد.

عمل مجرمانه را باید به مثابه واقعه‌ای مورد ملاحظه قرار داد که دارای یک نقطه آغاز، یک مرحله بسط و گسترش و بالاخره یک نقطه پایانی است. روش معمول برای تبیین پدیده مجرمانه، عمده‌تاً براساس مطالعه بزهکاری، که یک پدیده کلی و جمعی جرائم است، صورت می‌گیرد و طبیعتاً شناخت حاصل از آن نیز کلی است. لیکن روش مرجع در «مرکز دائمی نظارت بر تحول بزهکاری و پیشگیری از آن»، مبتنی بر اپیدمیولوژی

انجمن کمک به بزه‌دیدگان بو، مرکز اقدامات اجتماعی شهرستان، بیمارستان تخصصی، کمیته پروبایسون و کمک به آزاد شدگان از زندان، زندانمری، دادگستری، بازداشتگاه زندان، دایره حمایت قضایی از

جوانان، پلیس، ...

(همه گیری شناسی) بالینی است. اپیدمیولوژی، یک روش مشاهده پزشکی است که هدف آن مطالعه توزیع بیماریها در میان مردم، به منظور شناخت عوامل بیماریها یا عواملی که به همراه بیماریها ظاهر می شود و نیز سازمان دادن پیشگیری از آنها است. اپیدمیولوژی، به عنوان شناخت نوسانهای یک پدیده آسیب شناختی در زمان و مکان، مطالعات خود را بر اساس مشاهده فردی که حامل آسیب است انجام می دهد. در این جهت، مفهوم اپیدمیولوژی می تواند به عنوان بالینی تعریف شود، زیرا اولویت را به مطالعه مورد، سوره یا فرد می دهد. بنابراین در مقایسه با اپیدمیولوژی پزشکی، در جرمشناسی معمول در مرکز، هدف روشن کردن شرایط و اوضاع و احوال تحول و توسعه پدیده های ناسازگاری اجتماعی و بزهکاری از طریق دنبال کردن موارد، سوره ها یا افراد مجرم است. در اینجا بعد جمعی و گروهی، مورد به مورد بوجود می آید. بنابراین مرکز برای شناخت بهتر بزهکاری، روش مشاهده بالینی بزهکاران، یعنی سطح دوم از سطوح سه گانه تفسیر و تبیین پدیده مجرمانه در تفکر بیناتل را برگزیده است. از نظر فنی، کار مرکز، در واقع، در سه مرحله انجام می گیرد:

نخست جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه. تهیه پرسشنامه ها خود از کارهای مهم مرکز محسوب می شود و پیرامون آن مشورتهای و بحثهای زیادی صورت می گیرد، بطوری که پرسشنامه ها همه جوانب زندگی سوره و مجرم را بطور تفصیلی در بر گیرند و در عین حال به ناشناس و محرمانه ماندن مشخصات بزهکاران مورد مطالعه خللی وارد نیاید. سپس با تعیین محلهای جمع آوری داده ها، دانشجویان دوره های دکترا و کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی دانشکده حقوق بطور افتخاری و برای کسب تجربه عملی، پژوهشگران حرفه ای مرکز و نیز اشخاصی که به لحاظ ماهیت کار خود با بزهکاری و بزهکاران سرو کار دارند و در عین حال با مرکز همکاری می کنند با رعایت امانت و توجه به عینیت های موجود به پر کردن پرسشنامه ها، یعنی ثبت داده ها و اطلاعات مورد نظر می پردازند. در مرحله دوم، این اطلاعات وارد رایانه شده، هر مورد تبدیل به یک شماره می گردد. در مرحله سوم، با استفاده از روشهای انفورماتیک به بررسی و پردازش این داده ها مبادرت می شود، یعنی در این مرحله داده های ناخالص، به داده هایی تبدیل می شوند که بر حسب این که چه اهداف جرم شناختی یا علمی دنبال می شوند، متفاوت اند. پردازش داده های ناخالص برای اهداف جرم شناختی، در واقع، به منظور سنجش و ارزیابی عملکرد های مراجع مسوول در زمینه

سیاست جنایی محلی یا ارائه توصیه‌ها و پیشنهادات جدید به آنان است. چنین داده‌های تفصیلی کاربردی، بر حسب تقاضای مراجع ذی‌نفع، از داده‌های ناخالص تهیه و به دست اندرکاران مسائل جنایی و کیفری ارائه می‌گردد. بنابراین در این قسمت مرکز، برای مسوولان سیاسی، اجتماعی، قضایی و پلیسی محل، نقش مشاور را در زمینه مسائل سیاست جنایی ایفا می‌کند. پردازش داده‌های ناخالص برای اهداف علمی، به منظور بهبود تحقیقات بنیادی در زمینه جرم‌شناسی، بررسی اعتبار علمی نظریه‌های جرم‌شناختی موجود، تهیه و پروراندن نظریه‌های جدید جرم‌شناختی و بالاخره بهتر و کامل کردن مفاهیم و روشها در جرم‌شناسی صورت می‌گیرد. همانطور که ملاحظه می‌کنیم، مرکز از طریق ارائه داده‌های مناسب، نقش پشتیبانی را برای جرم‌شناسان و نظریه پردازان ایفا می‌کند. کار علمی آنها را تقذیه می‌نماید و بدین ترتیب اسباب پیشرفت و تحول علوم جرم‌شناختی را نیز فراهم می‌سازد.

۳. با تنظیم نموداری که ذیلاً می‌آید، سعی شده تا ضمن برشمردن فعالیت‌های فوق دانشگاهی، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی آقای آتف نیز ترسیم گردد و نشان داده شود که چگونه ایشان از دو نوع فعالیت اخیر خود در جهت تحقق رسالت‌های «مرکز دائمی نظارت بر تحول بزهکاری و پیشگیری از آن» بهره می‌برد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

« مرکز دائمی نظارت بر تحول بزهکاری و پیشگیری از بزهکاری »
 واقع در منطقه پو (جنوب غربی فرانسه)

